

رابطه آزادی با عوام فریبی

از هنگامیکه فضای سیاسی گشوده شد و آزادی بمفهومیکه عده‌ای تصور میکنند بمردم اعطاء گردید ، بندریج اصطلاح عوام فریبی که مدتها بود یادی از آن نمیشد برسر زبانها افتاد از اینجا معلوم میشود که رابطه‌ای بین فضای باز سیاسی یا آزادی با عوام فریبی وجود دارد . برای اینکه معلوم شود این رابطه چگونه برقرار میشود لازمست مفهوم عوام فریبی را بدانیم .

معروفست که یکنفر شیاد برای عده‌ای بیسواد عکس مار کشید و دیگری که سواد داشت کلمه مار را نوشت حاضرین که سواد نداشتند شیادیرا که عکس مار کشیده بود تا بید نمودند و با سوادیرا که کلمه مار را نوشته بود به بیسوادی محکوم ساختند . "عوام فریب" شیادی بود که عکس مار را کشیده بود و "عوام" یعنی مردم آنزمان که بیسواد بودند . معمولاً بیسواد کسیست که خواندن و نوشتن نمیداند ولی در بحث ما باید بآن مفهوم وسیعتری داد .

میگویند توسعه علوم و فنون در چهل سال گذشته بمراتب بیش از پیشرفت آن از آغاز خلقت بشر تا قبل از چهل سال گذشته بوده و این مطلب انکارناپذیر است ، اگر سابقاً " افرادی بودند که تمام علوم دنیای آنروز را میدانستند و اصطلاحاً بآن معلم میگفتند امروز کسی وجود ندارد که حتی به جزئی از اجزاء یگرفته از علوم تسلط کامل داشته باشد بهمین مناسبت نه فقط رشته‌های اصلی بلکه رشته‌های فرعی علوم تخصصی شده است ، بنابر این امروز بویژه در موضوعیکه ما میخواهیم سخن بگوئیم متخصص را باید بجای بسواد و غیرمتخصص را باید بجای بیسواد گذاشت .

استبداد تخصص :

=====

با آنکه اصولاً رابطه رئیس و مرئوس مبتنی بر امر و نهی است معذالک در مدیریت امروز ، این رابطه باید بر اساس دموکراسی استوار باشد یعنی رئیس باید منطق دستورات را که صادر میکند طوری برای مرئوسان بیان نماید که مورد قبول آنان واقع شود و برای تبادل نظر بین رئیس و مرئوس جلساتی بنام استاف میتینگ تشکیل گردد تا آنچه بصورت دستور

صادر میشود مورد قبول رتشر و مرنوس باشد ولی در مورد شغلهای شخصی چنین نیست و نظر مشخص ولو از طرف مرنوس برتسی اعلام شده باید بدین چون و چرا توسط رتسی عمل میشود و این درجه اسناد تخصص را مبرساند. درست مانند نسخداکه برشک بد بیمار میدهد و بیمار بدون آنکه مرناند حظ بزرگ را بجاوند آنرا بدارو خاندهسیردو هر چیدارو خانده داد مسگرد و بآن عمل میکنند، ولی نصدر همه موارد با بجا هم نمیشود بوزده در مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی که میکنند افراد با دستجات با کنورها را کرتنا را استعمار علمی که من بآن "امالاستعمار" گفتهام بماند و آن خود تحت فشار مفضلی دارد که مرور آرا بد فرصت بیشتر و مناسبتر موکول میکنم، فقط مسوان گفت اگر اولاً بد بخصر و نانساً به بی نظری مشخص اعتماد بود مسوان با حدودی تابع استناد نظر او بد و چون اس دو منظور بسادگی نایمن نمیشود باید تکر دنگری کرد، بهمین مناسبت است که بحث درباره آزادی امروز اجمت بسری از سابق پیدا کرده. زیرا فقط آزادیت که مسواند سر رار جنگال بمرحم تکنولوژی و استناد، دو درخیم چون آسء نرن که راننده بخصر برباند.

س، یعنی حکومت مرده مردم چیست ؟

=====

درس است که بیمار نسجه بزرگ را بدون آنکه بیداد حبس شمل میکنند و چون در برکی بخصر بدارد باید هم از نظر بزرگی با بزرگ احتیاج نماید ولی در هر صورت صاحب کار است و حق اخذ عصبم همچگاه از او با ولی او طلب نمیشود، او به نسجه کار برک نگاه میکند اگر خالسر و به بیبودی کدانس و با اسد بیبودی پیدا کرد معالجان خود ادا به میدهد و الایزک خود را عوض میکند. امروز فقط در بزرگی با مهندسی کار شخصی بسب مسائل اجتماعی هم ضمن حال را دارد ناد و وجه اعتماد متفاوت.

حسب آسئکه چون با انسان سروکار دارد بد بخصر بسنر بمانند است و دریم استند چون انسان خود در آن مسائل با حدودی بس اندر کار است نمسواند با مشخص مسائل اجتماعی مانند بزرگ رفتار کند، برای سال مسوان قانون استخدام کسوری را با ساختمان یک سد مناسب نمود، پروژه ساختمان یک سد نشان میدهد که چگونه مقداری سنگ و آهن و سایر مصالح ساختمانی را هزار دهم با آب در مسیری که خورد نظر است جریان افتد با از حرکت بازماند ولی قانون استخدام کسوری پروژه است که بر اساس آن هئصد هزار کارمند دولر را بسجوی بکار و اسدارد کمسروهای آنان هر چه بیشتر و بهتر در جهت بسرعیت هددها و بر بانههای دولت بکارانند. حال مناسب بفرمانند در پروژه ساختمان سد ابزار کار مقداری مصالح ساختمانی بسرو است که از خود اذادهای ندارند ولی در قانون استخدام کسوری ابزار کار انسانست که سفیده ر شعور دارد و میتواند خود نسجه کار را بررسی نماید.

با بس ترتیب هر دو کار یعنی پروژه ساختمان سد و طرح قانون استخدام تخصصی است

ولی یکی با انسان سروکار دارد که مسائل و دشواریهای زیادی ایجاد میکند و دیگری باغیر انسان که لاشعور میباشد .

نتیجه :

=====

چون بانوسعه علوم و ننون امروزه همه کارها تخصصی شده افراد غیرمتخصص را باید بمنزله افراد بیسواد دانست که اگر کسی مسائل تخصصی را بابیانیکه مورد قبول آنانست "مثل عکس مار" بیان کند ولو خلاف حقیقت باشد قبول میکند و نظر متخصص را که صحیح است مثل آن افراد بیسواد که کلمه مار را نمیتوانستند بخوانند نمی پذیرند و این خطرست که غالباً آزادی را تهدید میکند و کسانی که بجای کلمه مار عکس مار را بکشند بیشتر مورد قبول عامه واقع میشوند و اینان همان عوام فریبانند .

ریشه مشکل کجاست ؟

=====

مشکل عوام فریبی که غالباً با آزادی صدمه میزند ریشه قانونی دارد زیرا سیستم قانون نویسی ما از فرانسه اقتباسی شده و در سیستم فرانسه روشها که جنبه فنی و تخصصی دارد در قوانین گنجانده میشود و غالباً این روشها که لزومی هم ندارد قوه مقننه وارد آن شود توجه را به خود معطوف میکند لذا به نتیجه کار که مهمتر و اصل است کمتر توجه میگردد و این درست نیست زیرا اصل نتیجه کار است . برای مثال فرض کنید کسی در منزل میخواهد چلوکباب بخورد او لزومی ندارد روش پختن چلوکباب را بررسی کند و راهبراکه آشپز برای پختن آن انتخاب نموده تصویب کند بلکه او باید نتیجه کار را ببیند ، یعنی اولاً چلوکباب خوب پخته شده و ثانياً در هزینه آن افراط و تفریط نشده است ولی در سیستم انگلوساکسون قوانین وارد روشها نمیشود بلکه تدابیری اتخاذ میکند که نتیجه کار معلوم گردد .

اجازه بفرمائید قانون تاسیس یک وزارتخانه را مثال بیاوریم : در این قبیل قوانین معمولاً ، ماده یک هدف وزارتخانه است و این چیزی است که قوه مقننه باید بداند و آنرا تصویب کند .

مثلاً وظیفه وزارت نیرو ، تامین آب و برق و سایر مسائل انرژی است که باید آنرا بمنزله خود چلوکباب دانست ولی در ماده ۲ وظایف روش رسیدن به هدف را معین میکند که آنرا باید بمنزله روش و آماده کردن چلوکباب دانست که این امریست تخصصی . اما در مورد اینکه چگونه معلوم میشود این آب و برق تهیه شده و در دسترس مردم با ارزانترین قیمت

گذاسته شده روش کنترل با بررسی دقیق کمتر وجود دارد، در صورتیکه بن اصل مطلب است و در قانون باید بیشتر بنامین این منظور پرداخت. چون بحث در این مورد مفصلست و خوشبختانه این مسأله در حال حاضر توجه دانشمندان فرانسه را بخود جلب کرده و در جراید و مجلات بویژه مجله اکسپرس غالباً از آن بحث میکنند فقط بذكر نسخه آن اکتفا نمیکند و آن استسکه، با آنکه فرانسه و انگلستان تقریباً از لحاظ تمدن و پیشرفت یکسانند معدک اوضاع سیاسی و اجتماعی کاملاً متفاوتی دارند زیرا جب کرائی و افکار نامناسب در فرانسه به مراتب بیشتر از انگلستانست، چه در فرانسه پارلمان و در نسخه مردم بیشتر در مسائل شخصی، دخالت میکنند و باس ترتیب بهتر مسوان بجای مار عکس مار کشیدولی در انگلستان نسخه کار که در خورهم عمومست و اصل هم همانست مورد نظر میباشد. خوشبختانه در سالهای اخیر در کشور ما نیز باین مسأله توجه شده است ولی چون کارآسانی نسبت و به نتیجه رسیدن آن کمتر از بس سال وقت نمیکرد فعلاً در مسائل عمومی باید راهرا اسخابکنیم که اولاً مسائل شخصی زیاد حسیه عمومی ندهیم تا دچار عوام عربیان سوم، تا ببینیم محصل را در صورتی پدریم که به محصل وی نظری او اعتماد داشته باشیم بدینهی است که همیشه برخورد عفا بد و افکار بین مشخصان وجود دارد و باید هم وجود داسد باشد ولی ملاک تضاد مردم باید بنجد کار و سوابق آنان باشند منفی بانی و عوام غربی یکی علیه دیگری که مسا فاند بطوریکه تجربه نشان داده این هر دو در اجتماع مانومنه فراوان داسه است.

اگر بسیاری از مردم برای افراد مسلمان درست و پاکدامن ارج و احترام قائلند بهمین ساسبت است که مسوان آنها را از صفات نوق صری دانست و این افرادند که اعمال آنان مورد تسول مردمست بدون آنکه نیاز بدلیل و برهان داشته باشند زیرا دوسد گفته چون هم کردار نسب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی